

Honoring: The Strategy of the Islamic Government in Interaction with the People of the Book

Mohammad Rasul Ahangaran^{*}

Mahdi Noruzi^{**} **Seyyed Mohammad Mahdi Mohaghhegh**^{***}

(Received: 2020-10-31; Accepted: 2020-12-31)

Abstract

One of the issues that is clearly addressed in the verses of the Quran and the tradition of the Prophet (S) is how to treat the People of the Book and to interact with them. The Quran, as the original and irreplaceable source of Islamic theories, by endorsing the divine religions of Christianity and Judaism, introduces the mission of the Prophet Muhammad (S) in line with the monotheism of Moses and Jesus and considers all divine religions as one nation. Moreover, by studying and researching the life of the Messenger of God (S), it is clear that the Prophet, in addition to defining and explaining "reasonable and legal respect for non-Muslims", attached special value to their customs, rituals and places of worship and did not oblige any non-Muslim to change religion. Although the Prophet (S) did not force anyone to change his/her religion and always used the sciences and genius of non-Muslims in various matters and consulted with their scholars, he did not spare any effort to propagate Islamic principles and teachings. He based all his life activities, including political, social, economic and familial, on the call to God and the true religion of Islam. The real and basic strategy of the Prophet and his government was the practical and comprehensive respect of all human beings, both Muslims and non-Muslims, but also of all beings, and with this theory as well as his practical approach, many non-Muslims have become interested in Islam and its Prophet. This article explores the theory of honoring and the practical approach of the Prophet (S).

Keywords: Islam, Quran, Messenger of God (S), Islamic government, People of the Book.

* Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, University of Tehran, Tehran, Iran, (Corresponding Author), ahangaran@ut.ac.ir.

** Assistant Professor, Department of Jurisprudential Religions, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, Zmahdi.n62@gmail.com.

*** PhD Student in Jurisprudential Religions, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, Mohaqeq.seyedmahdi@gmail.com.

پژوهش‌های ادیبانی

سال نهم، شماره هفدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۰، ص ۷-۲۵

«مقاله پژوهشی»

تکریم: راهبرد حکومت اسلامی در تعامل با اهل کتاب

محمدرسول آهنگران*

مهدی نوروزی** سید محمد مهدی محقق***

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۱]

چکیده

یکی از موضوعاتی که در آیات قرآن و سیره پیامبر ﷺ به وضوح به آن پرداخته شده، کیفیت رفتار با اهل کتاب و شیوه تعامل با آنها است. قرآن به عنوان منبع اصیل و بی‌دلیل نظریات اسلامی، با تأیید ادیان الهی مسیحیت و یهودیت، مأموریت حضرت محمد ﷺ را در امتداد یکتاپرستی حضرت موسی ﷺ و حضرت عیسی ﷺ معرفی کرده و همه ادیان الهی را امتی واحد می‌داند. همچنین، با بررسی و تحقیق درباره حیات رسول خدا ﷺ مشخص می‌شود که پیامبر در کنار تعریف و تبیین «تکریم معقول و حقوقی غیرمسلمانان»، برای آداب، مناسک و عبادتگاه‌های ایشان ارزش خاصی قائل شده و هیچ غیرمسلمانی را ملزم به تغییر دین نکرده است. هرچند پیامبر ﷺ کسی را به تغییر دین ملزم نکرد و همواره در مسائل مختلف از علوم و نبوغ غیرمسلمانان بهره می‌برد و مشورت‌هایی با علمای ایشان انجام می‌داد، اما برای تبلیغ مبانی و مفاهیم اسلامی، و تشویق آنها از هیچ تلاشی فروگذار نکرد و همه فعالیت‌های زندگی خود، اعم از سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی را بر مبنای دعوت به سبیل الهی و دین حقه اسلام قرار می‌داد. راهبرد واقعی و اساسی پیامبر و نیز حکومتش، تکریم عملی و همه‌جانبه تمامی انسان‌ها، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، بلکه تمامی موجودات بوده است و با این نظریه و همچنین رویکرد عملی پیامبر، بسیاری از غیرمسلمانان به اسلام و پیامبر متمایل شده‌اند. این مقاله نظریه تکریم و رویکرد عملی پیامبر را می‌کاود.

کلیدواژه‌ها: اسلام، قرآن، رسول خدا ﷺ، حکومت اسلامی، اهل کتاب.

* استاد تمام گروه فقه و مبانی حقوق، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول) ahangaran@ut.ac.ir

** استادیار گروه مذاهب فقهی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران Zmahdi.n62@gmail.com

*** دانشجوی دکتری مذاهب فقهی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران Mohaqueq.seyedmahdi@gmail.com

مقدمه

واژه «تکریم» در لغت به معنای گرامی داشتن، احترام کردن و نیکویی رساندن به انسان است و در اصطلاح، رفتارها و روابط مبتنی بر ارج نهادن انسان‌ها به یکدیگر را «تکریم» می‌گویند (دهخدا، ۱۳۶۱: ذیل واژه «تکریم»). منظور از «حکومت اسلامی» هم شیوه حکومتی است که در آن ابعاد روابط بین حکومت و مردم، تعامل اجزای تشکیل دهنده حکومت و رابطه آن با سایر حکومت‌ها، در اهداف و سیاست‌ها، قوانین و خط مشی‌ها، برنامه‌ریزی و اجرا و نظارت و ارزیابی بر اساس مبانی، اصول و روش‌های دین اسلام تنظیم می‌شود.

برای تبیین سیاست تکریم در حکومت اسلامی، نیازمند پرداختن به این موضوع از منظر دو منبع اساسی نظریات اسلامی، یعنی کتاب و سنت، هستیم. لذا ابتدا جایگاه الهی قرآن و شخصیت بی‌نظیر پیامبر ﷺ را می‌کاویم و در ادامه به رویکرد این دو منبع لایتناهی در باب ارتباط با اهل کتاب و سیاست تکریم در این زمینه می‌پردازیم.

در هر یک از ادیان توحیدی متونی الاهیاتی وجود دارد که پیروانشان، ضمن تقدس الاهی که برای این متون قائل‌اند، تمامی اعتقادات، آداب و احکام دینی خود را منسوب و مأخوذ از آن متن‌های الاهی می‌دانند و به اوامر و نواهی آن ملزم هستند و مدعی‌اند که آن دستورها ضامن هدایت و سعادت بشر در همه شئون دنیوی و اخروی خواهد بود. هر سه دین بزرگ الاهی دارای کتاب هستند و این کتب برای پیروانشان جایگاه ویژه‌ای دارد. در ادامه به برخی از ویژگی‌های کتب مذکور می‌پردازیم.

قرآن، کتاب مقدس مسلمانان، منبع و حیاتی و ثقل اکبر متون اسلامی است. واژه «قرآن» در اصل مصدر است و به معنای هر چیز خواندنی است (راغب اصفهانی، ۱۴۲۶: ۶۶۸). البته بزرگانی از ادبیات عرب معتقدند این واژه اسم علم است و به یگانه کتابی که بر آخرین فرستاده خدا نازل شده اطلاق می‌شود و وجه تسمیه‌اش آن است که این کتاب خواندنی است و باید آن را خواند و در معانی‌اش تدبر کرد (قرشی، ۱۳۸۴: ۲۶۲). علاوه بر نزول دفعی قرآن در شب قدر، سوره‌های قرآن در طول ۲۳ سال تدریجاً به مقتضای ایام، از جانب خدا بر پیامبر ﷺ فرود آمده است (حسینی دشتی، ۱۳۷۹: ۲۷۵).

پیروان مسیحیت و یهودیت جایگاه ویژه‌ای برای الفاظ و واژگان کتب آسمانی قائل نیستند و متون خود را نقل به معنا می‌دانند و فقط مضامین آن کتب را الاهی لحاظ می‌کنند. اما مسلمانان معتقدند نه تنها تمامی کلمات، بلکه تمامی حروف این کتاب، وحی الاهی است و از جانب خدا و از طریق فرشته امین الاهی بر قلب پیامبر نازل شده

و ایشان مستقیماً آن را برای مردم تلاوت کرده است (مصطفوی، ۱۳۸۵: ۲۴۵).

از دیگر اعتقادات مسلمانان درباره قرآن، معجزه جاوید پیامبر، این است که این کتاب با ویژگی‌هایی چون فصاحت، بلاغت، اخبار غیبی، فقدان تناقض و تعارض و ... همراه بوده و هیچ‌کس نتوانسته و نمی‌تواند مانند آن را بیاورد (قرشی، ۱۳۸۴: ۲۶۴). همچنین، جمهور مسلمانان معتقدند قرآن تحریف نشده و کلماتش، هم‌زمان با نزول، به همت کُتاب وحی و با نظارت رسول‌الله ﷺ به ثبت رسیده که البته این ادعا، با دلایل مختلف نقلی و عقلی اثبات‌پذیر است. حال آنکه دیگر کتب آسمانی، سال‌ها پس از حضرت موسی (علیه السلام) و عیسی (علیه السلام) به دست شاگردان آنها و با بیان و برداشت شخصی‌شان تدوین شده است (ارزانی و اهتمام، ۱۳۹۴: ۱۰۲).

دستورالعمل‌های قرآن صرفاً برای استفاده بخش خاصی از جامعه نیست، بلکه دستورالعمل‌هایی کامل برای جامعه بشری و سراسر تاریخ است. این کتاب افزون بر آنکه حاوی معارف و جهان‌بینی، اصول اعتقادی، دستورالعمل‌های عملی و اخلاقی، تاریخ امت‌ها و پیامبران پیشین، فلسفه و سنت‌های تاریخ، است، درباره قوانین مربوط به زندگی مردم و روابط اجتماعی آنها، در چارچوب یکسانی با فطرت، دیدگاه‌های استواری عرضه کرده و دستورالعمل‌های روشنی داده است (موسوی مبلغ، ۱۳۷۴: ۲۲۰).

در این جستار، گفتمان‌های پیشنهادی قرآن برای تعامل با اهل کتاب مد نظر است. پس از بیان نظریات قرآنی در این باره به تعامل پیامبر ﷺ با این قشر مهم جامعه اسلامی می‌پردازیم. جست‌وجو در سیره رفتاری پیامبر، به منزله بیانی از رفتار عملی دستورالعمل‌های قرآن در نظر گرفته شده و تبیین شیوه رفتاری پیامبر با غیرمسلمانان، به منزله نمودی از اخلاق عملی قرآن و دستورالعمل اخلاقی اسلام بیان می‌شود. همچنان که می‌توان ادعا کرد سیره پیامبر همان بیان قرآن از تعامل با اهل کتاب را بیان می‌کند و در طول آن قرار دارد.

قرآن در تأیید و تمجید اخلاق مفسر عملی گفتمان خود در چندین آیه مطالبی بیان کرده است. پیش از هر چیز می‌توان گفت قرآن، وجود مبارک پیامبر را در آیه ۲۱ سوره احزاب، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند سرمشقی نیکو معرفی می‌کند. همچنین، در آیه ۴ سوره قلم اخلاق پیامبر «اخلاق عظیم و برجسته» معرفی شده است. سپس در آیه ۱۰۷ سوره انبیا تأکید شده است که: «ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم». در ادامه توصیف اخلاق حضرت در آیه ۱۲۸ سوره توبه آمده

است: «رنج‌های دیگر انسان‌ها برای پیامبر سخت بوده و اصرار بر هدایت بندگان دارد و نسبت به مؤمنان رؤف و مهربان است». در تکمیل این آیه، در سومین آیه سوره شعراء حالت پیامبر را چنان توصیف می‌کند که گویی می‌خواهد جان مبارک خود را از شدت اندوه از دست بدهد، به دلیل اینکه آنها (اهل مکه) ایمان نمی‌آورند.

در تأیید قول پیامبر و اینکه پیامبر هرگز قولی از جانب خودشان به خدا نسبت نداده، در آیات ۴۴ و ۴۶ سوره الحاقه بیان شده است که «اگر رسول خدا که ما رسالت خویش را بر دوش او قرار دادیم، و به همراه همین کتاب به سویتان فرستادیم، بعضی عبارات را از سوی خود به وجود آورده و آنها را به ما نسبت دهد، «لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ» دست‌هایش را همانند مجرمین خواهیم بست و دست راستش را قطع و با همان قدرتی که به او دادیم از او انتقام خواهیم گرفت و هیچ کس توانایی پنهان کردن او را نخواهد داشت» (طباطبایی، ۱۳۷۴).

آنچه در این آیات آمده، تهدیدی واقعی برای رسول خدا ﷺ نیست، بلکه به منظور اطمینان دادن به مردم است که این پیام آور الهی هر چه بگوید از جانب خدا است و او چیزی از خود به ما نسبت نمی‌دهد، چنان‌که در آیات ۴ و ۵ سوره نجم فرمود: «و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید. آنچه می‌گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست». پس با این مقدمه، برای جلب رضایت خدا و امید به رحمتش، باید در سیره پیامبر جست‌وجو کنیم و آن سیره را سرمشق اعمال و رفتار قرار دهیم.

در مطالب گذشته واژه‌شناسی مختصری بیان شد و در حد توان معرفی و تبیین منابع اصیل اسلامی صورت گرفت. در ادامه، نظریات این منابع درباره موضوع مقاله را بیان خواهیم کرد. این نوشته با هدف تبیین سیاست تکریمی حکومت اسلامی راجع به غیرمسلمانان تهیه شده و با گردآوری مطالب مرتبط از متن کتاب مقدس قرآن کریم و سیره پیامبر ﷺ به دنبال پاسخ به دو پرسش مهم خواهد بود:

۱. دستورالعمل قرآن برای تعامل با اهل کتاب چه بوده است؟
۲. شیوه تعامل پیامبر با اهل کتاب به چه صورت بوده است؟

۱. جایگاه انسان در حکومت اسلام از دیدگاه قرآن

بنی آدم از دیدگاه قرآن اشرف مخلوقات است و بر صحرا و دریا مسلط است و بر بسیاری از مخلوقات برتری دارد (اسراء: ۷۰). بنا بر آیاتی از قرآن، همه فرزندان آدم (علیهم السلام)

گرامی هستند و تکریم می‌شوند. به عبارت دیگر، خداوند به نوع بشر جایگاه خلیفه الهی بخشیده و همه انسان‌ها را با توجه به انسان‌بودن مستحق تکریم و کرامت می‌داند. در قرآن کریم مسلمانان به نیکی (فصلت: ۳۴)، احسان (نحل: ۹۰)، انفاق (رعد: ۲۲)، عدالت (ممتحنه: ۸) و صلح‌رحم (نساء: ۱) در ارتباط با بنی‌آدم سفارش شده‌اند و این سفارش را محدود نکرده است.

قرآن همه انسان‌ها را با خلقت در نوع انسانی مستحق تکریم دانسته و این تکریم با تولد هر انسانی برای آن انسان در نظر گرفته شده و به صورت انتسابی است. ولی وصول به فضیلت‌هایی که در پرتو ایمان و کار نیک به دست می‌آید ملاک تقرب و معیار ارزش‌ها در پیشگاه معبود خواهد بود (حجرات: ۱۳). این نوع کرامت را کرامت اکتسابی می‌گویند که مستوجب تکریم خاص و ویژه خداوند، ملائک و دیگر موجودات است. از دیدگاه قرآن، فقط با این کرامت می‌توان شخصی را بر دیگری برتر داد. چون همه، استعدادی برای نیل به این کمال دارند، ولی برخی غافل‌اند و اندکی به این هدف واصل می‌شوند.

احترام به عقلانیت، هنگامی جایگاه واقعی‌اش را می‌یابد که صرفاً در جهت تقوا قرار گیرد. امام محمد باقر (علیه السلام) مؤمن را باکرامت‌ترین مخلوق می‌داند و در تحلیل این ادعا فرشتگان را خدمت‌گزار افراد باایمان لحاظ می‌کند و پاداش ایمان ایشان را همجواری با خدا، بهشت و حورالعین می‌داند (صادق‌پور، ۱۳۸۶: ۵۶).

می‌توان نتیجه گرفت که خداوند متعال کرامت انتسابی انسانی را برای همه انسان‌ها یکسان در نظر گرفته و ابر و خورشید و ماه و فلک را مسخر گردانیده تا این موجود باکرامت را تکریم کنند. اما این کرامت انتسابی است و همه موجودات آفرینش در حال فعالیت و خدمت به انسان هستند تا او با در نظر گرفتن کرامت‌های انتسابی‌اش در غفلت نماند و در این امتیازات قرار داده‌شده برای او محدود نشود و به سمت کرامت‌های اکتسابی حرکت کند. حتی می‌توان فعالیت همه پیامبران را هم در همین راستا قرار داد.

قرآن کریم برای هدایت و تکریم بشر نازل شده است. گروهی از مردم که در تعامل با مسلمانان بودند و قرآن مأموریت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) را در امتداد و ادامه‌دهنده اهداف این اقوام معرفی کرد، اهل کتاب هستند. این اقوام (شامل یهودیان، مسیحیان، زرتشتیان و صابئین^۱) نزدیک‌ترین اقوام به مسلمانان از لحاظ اعتقادات و فرهنگ هستند که قرآن

کریم از پیامبران و مؤمنان این قوم به نیکی یاد کرده و آیات متعددی درباره پیامبران، خانواده‌هایشان و مؤمنان اهل کتاب نازل شده است.

۲. دستورالعمل قرآن برای تعامل حکومت اسلامی با اهل کتاب

چنان‌که بیان شد، قرآن برای همه انسان‌ها و نوع بشر نازل شده و دستورهایش در همه ابعاد زندگی تسری دارد و در همه مسائل مبتلابه بشر احکام متناسب صادر کرده است. رابطه بین مسلمانان و دیگر جوامع بشری، ضروری و فطری است و تداوم زندگی بشر، نیازمند این‌گونه روابط است. از سوی دیگر، اگر قرآن به عنوان آخرین پیام خدا به خلق و کامل‌ترین برنامه الهی بر جوامع انسانی، مبنا و شالوده هر نوع روابط را تشکیل ندهد، اعتلای اسلام و عزت مسلمانان آسیب می‌بیند و در معرض تردید قرار خواهد گرفت (موسوی مبلغ، ۱۳۷۴: ۲۲۰). روابط مسلمانان با اهل کتاب، در زوایای گوناگون با معیارهای مشخص و ضوابط معین، در قرآن کریم جایگاه ویژه‌ای دارد؛ زیرا این مجموعه به عنوان آخرین کتاب وحی الهی، رسالت جهانی دارد و برای راهبری انسان در همه عصرها و نسل‌ها فرستاده شده است، چنان‌که خود می‌فرماید: «هذا بصائر للناس» (جاثیه: ۲۰)؛ «این قرآن، وسیله بینایی همه مردم است».

در قرآن عبارت «امت واحده» ۹ بار (مؤمنون: ۵۲؛ شورا: ۱۰۸؛ انبیاء: ۹۲؛ هود: ۱۱۸؛ نحل: ۹۳؛ مائده: ۴۸؛ زخرف: ۳۲؛ یونس: ۱۳؛ بقره: ۲۱۳) ذکر شده که گروهی از مفسران، مسلمانان را همراه با اهل کتاب در این امت واحد در سبیلی واحد قرار داده‌اند. همچنین، هدف آنها را واحد تفسیر کرده‌اند: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً». مکارم شیرازی در تفسیر این آیه می‌گوید:

این پیامبران بزرگی که به آنها اشاره شد همه یک امت واحد بودند. برنامه آنها یکی و هدف و مقصدشان هم یکی بوده است، هرچند با اختلاف زمان و محیط، دارای ویژگی‌ها، روش‌ها و به اصطلاح تاکتیک‌های متفاوت بودند اما همه در نهایت در یک خط، حرکت داشتند، همه آنها در خط توحید و مبارزه با شرک و دعوت مردم جهان به یگانگی و حق و عدالت گام برمی‌داشتند. این یگانگی و وحدت برنامه‌ها و هدف، به سبب آن بوده که همه از یک مبدأ سرچشمه می‌گرفته، از اراده خداوند واحد یکتا، و لذا بلافاصله می‌گوید: «و من پروردگار همه شما هستم، تنها مرا پرستش کنید»؛ «وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۹۷/۱۳).

در آیه ۹۴ سوره انبیا، که موضوع درباره امت واحده بوده، اضافه می‌شود که هر کس چیزی از اعمال صالح را انجام دهد در حالی که ایمان داشته باشد، تلاش و کوشش او پاس داشته می‌شود. همچنین، برای تأکید بیشتر می‌افزاید: «و ما اعمال صالح او را قطعاً خواهیم نوشت». نیز، درباره مقدس بودن جایگاه عبادت مسلمانان و اهل کتاب در آیه ۴۰ سوره حج، چنین آمده است که خداوند به وسیله گروهی دفع شر گروهی دیگر می‌فرماید و خود یاری‌کننده آن مکان‌هایی است که نامش در آن ذکر می‌شود. همچنین، از معابد اهل کتاب همانند مساجد مسلمانان، به عنوان جایگاهی که در آن نام خدا بسیار ذکر شده، یاد می‌شود و این خود بیانی دیگر از سیل و هدف یکسان این گروه‌ها است. در آیات متعددی بر واحد بودن این راه تأکید شده و ضمن ادعای ایمان به خداوند متعال مأموریت انبیای سابق تأیید می‌شود. در آیه ۱۳۶ سوره بقره و همچنین ۲۵ حدید خطاب به مسلمانان آمده است: «ما به پروردگار متعال و به همه آن چیزهایی که بر ما و ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب و فرزندان او نازل شده ایمان می‌آوریم و برای ایشان امتیازی و جدایی قائل نشده و در برابر فرمان پروردگار تسلیم خواهیم بود». در قرآن کریم، در مجموع، ۲۵۷ آیه درباره اهل کتاب نازل شده که حدود ۱۰۰ آیه به یهودیان اختصاص داده شده و ۱۵۷ آیه حول محور دین مسیحیت نازل شده است. بیش از هر چیز، تأییدیه‌های مکرر مقدسات، آداب و رسوم اهل کتاب در قرآن نظر هر خواننده‌ای را به خود جلب می‌کند؛ شیوه‌ای که با هدف همدلی و وحدت در سایه توحید و امت واحده همراه بوده است. این مسئله را در محورهای زیر می‌توان دید:

الف. آیات مربوط به تأیید حضرت موسی (علیه السلام) و حضرت عیسی (علیه السلام) به همراه ویژگی‌های ایشان؛ در آیات بسیاری رسالت این پیامبران به همراه دلایل روشن تأیید شده (بقره: ۸۷ و ۲۵۳؛ اعراف: ۱۰۳ و ۱۱۷) و از ایشان به عنوان شخصیت‌هایی مقبول شایسته، نشانه‌های خدا و قول حق یاد شده (مائده: ۴۸ و ۴۹ و ۷۵؛ انعام: ۸۵-۹۰؛ مریم: ۶۳) و در دو آیه بعد از اینکه پیامبری ایشان تأیید شده بیان شده است که حضرت موسی (علیه السلام) و عیسی (علیه السلام) آمدن پیامبر خاتم را مژده داده‌اند (مائده: ۴۶؛ صف: ۶).

ب. آیات مربوط به خانواده ایشان؛ در قرآن به صرف تأیید، تعریف و تمجید پیامبران عظیم‌الشان اکتفا نشده و در آیات متعددی از خانواده‌های انبیا هم با احترام یاد شده و بعد از تأیید مادران ایشان و همچنین حضرت آسیه (س) (آل عمران: ۳۵-۳۷؛ تحریم: ۱۱) آیاتی درباره برتری ایشان بر زنان جهان، اهل عبادت بودن ایشان و ارتباطشان با

وحی (آل عمران: ۴۲ و ۴۷؛ تحریم: ۱۱ و ۱۲) آمده است. همچنین، از این زنان نمونه امت واحده به عنوان الگو برای مؤمنان یاد می‌شود (تحریم: ۱۱؛ مؤمنون: ۵۰؛ زخرف: ۵۹).

ج. آیات مربوط به کتب تورات و انجیل و مؤمنان یهودی و مسیحی؛ در آیات متعددی کتب تورات و انجیل تأیید شده (آل عمران: ۳؛ مائده: ۴۸؛ یوسف: ۱۱۱؛ انعام: ۹۲) و به مسلمانان، ایمان به این کتب توصیه می‌شود (نساء: ۱۳۶). همچنین، در آیاتی مؤمن بودن اهل کتاب و تسلیم بودن ایشان در برابر فرمان‌های الهی تمجید شده (آل عمران: ۵۲؛ مائده: ۱۱۱؛ صف: ۱۴) و با توجه به اتحاد امت واحده بر پیروی از ملت ابراهیم (بقره: ۱۳۵)، اعتقاد به توحید و تعلیمات الهی نازل شده بر پیامبران (بقره: ۱۳۶؛ عنکبوت: ۴۶؛ آل عمران: ۸۴؛ نساء: ۱۶۳؛ عنکبوت: ۸)، اعتقاد به یگانگی خداوند و تسلیم بودن برای او (آل عمران: ۲۰ و ۶۴) و تساوی مسلمانان و اهل کتاب در خصوص گناه و کیفر گناهکار (نساء: ۱۲۳) راه و اهداف را متحد می‌داند و به برادری و وحدت در خداپرستی دعوت می‌کند. بعد از اینکه قرآن کریم با احترام خاصی از مکتب‌های اهل کتاب و شخصیت‌های ایشان یاد می‌کند و همه را به وحدت و همگرایی می‌خواند گروهی از اهل کتاب، این ندا را لیبک می‌گویند و با ایمان و عمل صالح خود، مشمول رحمت و مغفرت الهی می‌شوند. در قرآن به اهل کتاب مؤمن و معتقد به خدا و روز قیامت وعده اجر و پاداش بزرگ داده شده (بقره: ۶۲؛ مائده: ۶۹) و امانتداری (آل عمران: ۷۵)، تلاوت آیات الهی، سجده، شب‌زنده‌داری، امر به معروف و ناهی از منکر بودن و شتابان در کار خیر (آل عمران: ۱۱۳ و ۱۱۴) خضوع و خشوع از ویژگی‌های اهل کتاب شمرده شده است.

قرآن با شیوه رحمانی، اهل کتاب را به وحدت دعوت کرده است (آل عمران: ۱۹؛ بقره: ۱۳۵؛ انعام: ۱۱۴؛ اعراف: ۱۵۷). عده‌ای اجابت می‌کنند و مشمول رضوان الهی قرار می‌گیرند، ولی گروهی با وجود شناختی که از آیات حق و رسول خاتم داشتند و آشنایی با اوصاف پیامبر و قرآن که در تورات و انجیل آمده بود، باز هم راه کتمان حق و ضلالت و گمراهی را در پیش گرفتند و گروهی هدایت را منحصر در یهود و نصارا دانستند. قرآن با لحن هشدار و البته با اشاره به لطف و رحمت الهی، این گروه از اهل کتاب را خطاب قرار می‌دهد تا شاید متنبه شوند (ارزانی و اهتمام، ۱۳۹۴: ۹۵).

درباره ارتباط با اهل کتاب سه دستور متفاوت در آموزه‌های اسلامی صادر شده است: توصیه به نیکی به آنان، منع از دلبستگی، و رفتار محتاطانه. این تغییرها با توجه به اوضاع

و احوال گوناگون زمانی و مکانی و تفاوت حال و رفتار اهل کتاب است (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۳۱۲). در آیات متعددی از قرآن، از سبیل و هدف واحد مسلمانان با اهل کتاب سخن رفته و انبیای آنان را کاملاً تصدیق فرموده و اهل کتاب را از جهاتی می‌ستاید، اما گاهی آنان را نکوهش می‌کند. این نکوهش به دلیل دورانداختن کتاب آسمانی خویش و زمام خرد و اندیشه را به دست هوای نفس سپردن است. همچنین، با توجیه و پنهان کردن آیات خدا، از پای‌بندی به مضامین آنها سرباز زده‌اند (پاکچی، ۱۳۶۹: ۴۷۶/۱۰).

خلاصه آنکه، قرآن، مسلمانان را به حُسن خلق، احسان، عدالت، وفای به عهد و ... با همه ابنای بشر دستور فرموده و اهل کتاب را با توجه به اشتراکات دینی و تاریخی با مسلمانان در امتی واحد قرار داده است. همچنین، در آیات متعددی انبیای سابق را تأیید کرده و سبیل قرآن و پیامبر را ادامه‌دهنده آنها دانسته است. نیز در آیه ۶۴ سوره آل‌عمران به اهل کتاب پیشنهاد داده شده که بیایید بر نقطه اشتراک اصلی هر دو گروه، که پرستش خدای یگانه است، تأکید کنیم و تحت یک پرچم قرار بگیریم. در این آیه ضمن تأیید این اقوام و بعضی عقایدشان و همچنین توجه به نقاط اشتراک، پیشنهاد اتحاد و همبستگی داده می‌شود. آیاتی، از جمله آیه مذکور، بیان می‌کند که میان مسلمانان و اهل کتاب وجوه اشتراک متعددی وجود دارد و پیامبر ﷺ برای کامل کردن و کمال‌یافتن مأموریت پیامبران سابق مبعوث شده و برای هدایت پیروان آنها مأموریت یافته است با آوردن ادله و اعجاز‌هایی اعتماد اهل کتاب را جلب، و همه جهانیان را به سوی خدا راهنمایی کند؛ اما اگر اهل کتاب عنان عقل خود را به هوای نفس بسپارند و با حقیقت دین مخالفت کنند، دستورهایی مبنی بر احتیاط و منع دل‌بستگی به آنان داده شده است.

۳. سیره پیامبر ﷺ: اولین حاکم اسلامی در برابر اهل کتاب

برقراری عدالت، آزادی و ایجاد صلح در کنار ظلم‌ستیزی، رفع فتنه و فساد از اهداف بزرگ پیامبر ﷺ به شمار می‌رفت. ایشان با به‌کارگیری شیوه‌های مختلف، از جمله انعقاد پیمان، جنگ، گفت‌وگو، مناظره و ... به اهداف خویش رسید. پس از تشکیل حکومت اسلامی در مدینه، مسائل جدیدی مطرح شد که از جمله آنها نحوه مواجهه و تعامل با غیرمسلمانان بود. پیامبر ضمن پذیرش حقوق غیرمسلمانان، به‌ویژه اهل کتاب، هیچ‌گاه از مهرورزی و عدالت در حق آنان دریغ نورزید و اصل را در این باره بر منطق و گفت‌وگو، آگاهی‌بخشی و فرهنگ‌گستری و همکاری‌های مشترک بنا نهاد.

ایشان ضمن مدارا با کفار و حمایت از مراکز دینی اهل کتاب، هیچ‌کس را مجبور به تغییر دین خویش و پذیرش اسلام نکرد. هرچند در معرفی هوشمندانه اسلام و جذب مردم به آن، از همه ابزارهای عاطفی و عقلانی و جز آن استفاده کرد و در این راه سنگ تمام گذاشت. به علاوه، آن حضرت در حوزه‌هایی همچون انعقاد پیمان‌نامه‌ها، بهره‌وری از نخبگان و کارشناسان، داد و ستد با کافران، پذیرش کمک‌های غیرمسلمانان، احترام به سفیران و فرستادگان و دیگر حوزه‌های مرتبط، ضمن پذیرش اصل اینها و تأکید بر آن، حدود و ثغورش را نیز مشخص کرد و اصول و قواعد ماندگاری را در این باب از خود بر جای نهاد.

پیامبر با الهام از آیات قرآن، در رفتارهای روزانه خود دستورالعمل‌های کارگشا و آشکاری در زمینه ارتباط با اهل کتاب بیان کرده است که همواره راهنمای مسلمانان در این زمینه خواهد بود؛ درباره تساوی انسان‌ها در خلقت، از ایشان چنین روایت شده است: «همه مردم از روز خلقت آدم تا به امروز همانند دانه‌های شانه مساوی و یکسان‌اند، عرب بر عجم، و سرخ بر سیاه، فضیلت و برتری ندارد، جز به تقوا و پرهیزگاری» (رسولی محلاتی، ۱۳۷۱: ۱۲۰۹/۱). روایتی دیگر درباره اذیت اهل ذمه نقل شده است که فرمود: «هر کس به اهل ذمه آزار رساند، دشمن او خواهم بود و هر کس من دشمن او باشم، روز قیامت دشمنی خود را نسبت به او آشکار خواهم نمود» (دائرةالمعارف تشیع، ۱۳۸۶: ۴۰۵/۱۲). در حدیثی دیگر چنین نقل شده است: «هر کس فرد ذمی را بیازارد، همانا مرا آزرده است». حتی در نکوهش قتل ذمی از ایشان روایت شده است که فرمود: «هر کس ذمی را بکشد بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد» (همان). درباره تهمت زدن به اهل ذمه نیز فرمود: «هر کس به فرد ذمی تهمت بزند، مجازات او روز قیامت تازیانه‌هایی از آتش است» (بلاغی، ۱۳۷۰: ۵۷).

نیز، درباره رعایت حال زندگی اهل ذمه به مسئول دولتی خود دستورهای اخلاقی و حکومتی متفاوتی صادر فرمود، از جمله: «هر کس بر هم‌پیمان مسلمین ستم نماید و یا بیشتر از قدرتش بر او تکلیف کند و یا او را ناقص‌العضو نماید و یا اینکه به‌اکراه چیزی را از او مطالبه کند، من در روز قیامت دشمن او خواهم بود» (ابویوسف، ۱۳۹۹: ۱۲۵)؛ «در اموال اهل ذمه چیزی جز گذشت وجود ندارد» (همان)؛ «خدای متعال ورود بی‌اجازه به خانه‌های اهل کتاب را بر شما حلال نکرده است» (همان).

نگاه ویژه و احترام اهل کتاب در ادبیات گفتاری و دستورهای اجرایی خلاصه نمی‌شد و پیامبر از آغاز حکومت خود با رفتار و سیره‌ای ویژه با اهل کتاب رفتار می‌کرد. در دومین عقبه با الگوبرداری از انبیای قوم یهود، از انصار ۱۲ نفر انتخاب شد. همچنین، به روزه روز عاشورا دستور داده شد و در برابر نقض و ابرام‌های همیشگی یهودیان، بیت‌المقدس را که یهودیان اعتقاد داشتند قبله انحصاری‌شان است با هدف نزدیکی و الفت قلوب مسلمانان و یهودیان، قبله معرفی کرد. همچنین، در آغاز ورود به مدینه، به منظور تحکیم نظام حکومتی، منشوری تهیه شد که به یهودیان و جایگاه ایشان توجهی ویژه و خاص شد. در این منشور همه حقوق مسلمانان برای یهودیان به رسمیت شناخته شد و مسلمانان و یهودیان به عنوان امت واحده قلمداد شدند و هر دو گروه مقید شدند که در برابر دشمنان باید در مسائلی از جمله تأمین هزینه‌ها، تعامل با دشمن، دفاع از شهر و مسائل مشترک دیگر با یکدیگر همکاری خیرخواهانه داشته باشند (ابن‌هشام، ۱۴۱۵: ۱۱۵/۲).

علاوه بر این منشور، پیمانی دیگر با یهودیان مدینه منعقد شد. بر اساس این پیمان، امنیت مالی و جانی یهودیان تضمین، و حقوقشان به رسمیت شناخته شد. طبری می‌گوید: «تا آن موقع که یهودیان به تعهدات خود وفادار بودند، پیامبر حقوق و امنیت‌شان را در بالاترین سطح ممکن تأمین می‌کرد و اگر این روابط دست‌خوش تغییراتی شد ناشی از بدعهدی بنی‌اسرائیل بود نه سخت‌گیری پیامبر» (طبری، ۱۴۱۵: ۴۷۹/۲).

حتی پیامبر در مقابل فتنه‌های یهودیان خیبر علیه مسلمانان، با آنها با شرایطی که یهودیان پیشنهاد دادند مصالحه کرد و از مجازاتشان منصرف شد. بعد از جنگ و پیروزی مسلمانان، پیامبر متوجه شد که خیبرنشینان یهودی از مواجهه مسلمانان با اموال و اراضی خود گلایه‌هایی داشتند. از این‌رو مسلمانان را از هر گونه تعرض به اموال و اراضی ایشان بر حذر داشت و پاسداری از حقوق بنی‌اسرائیل را بر همگان لازم دانست و تسلط بر اموالشان را روا ندانست (احمدپور، ۱۳۹۴: ۳۳).

راجع به مسیحیان نیز، پیامبر در قالب سلسله قراردادهایی آزادی‌های مشروع برای ایشان تأمین، و این روابط را قانونمند کرد. پیامبر در مقابل یهودیان رفتاری معتدل‌تر از کفار اختیار کرد. همچنین، با توجه به روحیه معتدل‌تر و علاقه بیشتر مسیحیان، با مسیحیان با زمینه بهتری نسبت به یهودیان، تعامل می‌فرمود. چنین نگرشی در قرآن هم دیده می‌شود. در آیه ۸۲ سوره مائده گفته شده که مسلماً دشمن‌ترین مردم با مؤمنان را،

یهود و مشرکان خواهی یافت؛ و نزدیک‌ترین دوستان به مؤمنان را کسانی می‌یابی که می‌گویند: «ما نصارا هستیم».

با توجه به دستورهای قرآن و روحیه معتدل‌تر مسیحیان، خاتم‌النبین در مقابل نجرانسانی که از مباحله با ایشان درمانده بودند مصالحه کرد. در این مصالحه مقرر شد جان و مال ایشان از هر گونه تعرض برکنار بماند، هیچ‌کس از سرزمینش رانده نشود و مالیاتی هم از ایشان نگیرند؛ مناصب دینی مسیحیان دست‌خوش تغییرات نشود و هیچ اسقف و راهبی از مسئولیتش برکنار نشود (احمدی میانجی، ۱۳۷۶: ۱-۳۱۸/۲).

علاوه بر اصولی که پیامبر در قرارداد با اهل ذمه رعایت می‌فرمود، زمانی که علمای غیرمسلمان به مدینه می‌آمدند، برای ایشان احترام بسیار قائل می‌شد و اجازه می‌داد آزادانه انتقادات و اشکالات و منطقی خویش را بازگو کنند و خود با آنان از طریق برهان و استدلال گفت‌وگو می‌کرد (سبحانی، ۱۳۷۱: ۴۹۵-۴۹۷). همچنان که خداوند در آیه ۴۰ سوره حج معابد اهل کتاب را در کنار مساجد قرار داده و تکریم و تعظیم آنها را در کنار همدیگر محترم شمرده است، پیامبر نیز در قراردادهایش این مکان‌ها را محترم شمرده و تعهد خویش را به صیانت از این مکان‌های مقدس اعلام کرده است (منتظری، ۱۴۱۱: ۷۵۲/۲). حتی پیامبر به متولیان پرستشگاه‌ها نیز توجه داشته و از نیروهایی که برای جنگ موته به شام می‌رفتند خواست که از تعرض به متولیان معابد خودداری کنند. در فتوحاتی که بعد از وفات پیامبر ﷺ حاصل شد، فاتحان متعرض هیچ کلیسا و کنیسه‌ای نشدند و هیچ عبادتگاهی ویران نشد (حلی، ۱۴۱۴: ۳۴۱/۹).

پیامبر ﷺ همواره گفت‌وگو را به قصد کشف حقیقت و ضعف نظریات مقابل انجام داد. با ابزار گفت‌وگو و تعاملات همراه با احترام و عزت، و وصول به اهداف متعالی خویش، آن حضرت به تحمیل عقیده و اجبار در دین نیازی نداشت و این تهمت‌ها برچسب‌هایی نامأنوس و بی‌ارزش بر سیاست‌های پیامبر است. شاید بزرگ‌ترین و بهترین گواه بر این ادعا، رفتار پیامبر ﷺ با حاکمان مسیحی باشد. ایشان در نامه‌هایش به حاکمان مسیحی فرمود: «اگر اسلام آوردید بر حکومتان باقی خواهید ماند». پیامبر در زمان نوشتن نامه در اوج قدرت حکومت دینی خود بود و با حمله به آن مناطق، به راحتی می‌توانست آنجا را تحت سلطه خود درآورد، ولی به این عمل تمایلی نداشت و ابتدا نامه می‌نوشت؛ از جمله این نامه‌ها نامه به حارث غسانی، حاکم تخوم شام

(تحت حمایت هراکلیوس)، و همچنین نامه به هوده حاکم یمامه است که مسیحی، ولی هم‌پیمان و حافظ منافع کسرا بود.

رفتار همراه با تکریم پیامبر، به فعالیت‌های سیاسی، حکومت‌داری یا جنگ‌ها محدود نمی‌شد. ایشان همواره با سیاست تکریمی خویش جذب حداکثری به سبیل الی‌الله داشت. در عصر پیامبر، در مدینه یکی از تاجران یهودی با یکی از شهروندان مسلمان در خرید و فروشی درگیر شدند؛ یهودی که با قیمت پیشنهادی مرد مسلمان موافق نبود، امتناع خود از فروش را این‌گونه ابراز کرد: «سوگند به آن کسی که موسی را برگزیده، به این قیمت نمی‌فروشم». خریدار مسلمان چنین احساس کرد که یهودی قصد جسارت به پیامبر ﷺ را داشت و ناخودآگاه بر صورت یهودی، سیلی محکمی زد و گفت: «در حالتی که هنوز محمد در میان ما است چنین می‌گویی؟!». آن مرد یهودی خدمت پیامبر آمد و گفت که وی از اهل پیمان است. پیامبر ﷺ چنان خشمگین شد که آثار این خشم در صورت مبارکش ظاهر شد و فرمود: «میان انبیا، امتیاز قائل نشوید». سپس از نیکی‌ها و امتیازات حضرت موسی (علیه السلام) تمجید کرد، و آن پیامبر را مدح و ستایش بسیار فرمود (عمید زنجانی، ۱۳۴۴: ۱۰۶). مطهری در کتاب *داستان راستان* در داستانی از سیره پیامبر چنین نقل می‌کند:

یکی از یهودیان به محض رسیدن به پیامبر به جای «سلام علیکم» گفت: «السلام علیکم»؛ این عبارت در زبان عرب معادل «مرگ بر شما» بود. کمی بعد مجدداً همین اتفاق در هنگام ورود یهودی دیگری تکرار شد. معلوم بود که با برنامه قبلی این گروه قصد آزار پیامبر را داشتند. عایشه، همسر پیامبر که شاهد هر دو ماجرا بود، در حالی که بسیار برافروخته شده بود، فریاد زد: «مرگ بر خود شما و...». پیامبر مکرم در کمال خونسردی فرمود: «ای عایشه! ناسزا مگو، چنانچه ناسزا مجسم شود زشت‌ترین و بدترین صورت‌ها را خواهد داشت، اما در مقابل، ملایمت و بردباری بر هر چیزی قرار گیرد، آن را زیبا کرده و زینت می‌بخشد و از هر چیزی برداشته شد از زیبایی آن کاسته می‌شود؛ پس چرا خشمگین شدی؟». عایشه گفت: «یا رسول‌الله! آیا نمی‌بینید با کمال وقاحت و بی‌شرمی چه می‌گویند؟». در این هنگام رسول خدا فرمود: «چرا؛ من نیز پاسخ دادم: «علیکم» و همین مقدار کافی است» (مطهری، ۱۳۶۶: ۱۴۱/۱).

در یکی از غزوات، چوپانی یهودی به مسلمانان ملحق شد و به منظور مساعدت به

لشکریان و تأمین خوراک، گله‌اش را به همراه خود به اردوگاه آورد. پیامبر، چوپان تازه‌مسلمان را وادار کرد که گله را به صاحبانشان برگرداند و تأکید کرد که در اسلام خیانت به امانت حتی برای دشمنان جایز نیست (سبحانی، ۱۳۷۱: ۶۶۵/۲).

پیامبر، بلال حبشی را پس از پایان یافتن یکی از غزوات مأمور کرد صفیه، دختر حُئی بن اخطب، رئیس یکی از بزرگان یهود را به همراه کنیزش تا مدینه همراهی کند. بلال آن دو را بر شترانی سوار کرد و به سوی مدینه رهسپار شدند. این حرکت از کنار کشته‌شدگان آغاز شد و کنیز از مشاهده کشتگان بسیار شیون کرد و ضجه‌های جان‌گدازی می‌زد. پیامبر چون ناله‌های کنیزک یهودی را شنید، فریاد زد: «بلال! مگر رحمت و عطوفت دلت از بین رفته که این زنان را در میان کشته‌هایشان عبور می‌دهی؟!» (عمید زنجانی، ۱۳۴۴: ۱۰۵).

نتیجه

خداوند منان انسان را خلیفه خویش در زمین قرار داد و همه موجودات را مسخر و در اختیار او قرار داد تا برای وصول به کرامتی بالفعل و اکتسابی که زمینه این کرامت و مقدماتش در وجود او نهادینه شده بود از آن استفاده بهینه کند. همه فعالیت‌های الهی، به‌ویژه فعالیت‌های پیامبر، در راستای تبلیغ سبیل کرامت اکتسابی و با هدف تبیین عملی این کرامت بوده است. در آیات قرآن و سیره پیامبر مثال‌های مختلفی از این مأموریت وجود دارد که در این نوشته به‌اجمال به گوشه‌هایی از آن اشاراتی شد. اهداف این مقاله با پاسخ به دو پرسش مذکور در مقدمه محقق می‌شود که شرح آن چنین است:

الف. در موضوع دستورالعمل قرآن برای تعامل مسلمانان با اهل کتاب ذکر شد که ۲۵۷ آیه با این محوریت وجود دارد. در این آیات شخصیت حضرت موسی (علیه السلام) و حضرت عیسی (علیه السلام) تأیید شده و در تمجید از این بزرگواران از تعبیری همچون «قول حق» و «نشانه‌های خدا» استفاده شده است. همچنین، خانواده‌ها، مؤمنان و کتب مقدس اهل کتاب تأیید و تمجید شده‌اند.

ب. همچنین، درباره شیوه تعامل پیامبر با اهل کتاب، به عنوان حاکم طراز اسلامی و مفسر عملی قرآن، می‌توان مدعی شد که پیامبر در همه ابعاد زندگی به این مسئله توجه ویژه داشت؛ پیامبر بعد از جنگ، در کنار کشته‌شدگان دشمن یهودی به سوگ می‌نشاند؛ بلال حبشی را برای حرکت دادن خانواده ماتم‌زده یهودی از کنار اجساد منسوبان،

شماست می‌کند؛ با شکایت شخص یهودی که مسلمانی او را به دلیل سوگندش به حضرت موسی (علیه السلام) کتک زده است افروخته می‌شود و فریاد برمی‌آورد که در میان پیامبران خدا امتیازی قائل نشوید. به مسیحیان نجران اجازه داد در مدینه و در مسجدالنبی به سمت مشرق نماز بخوانند.

البته توجه به اهل کتاب و تکریم ایشان به بُعد شخصی و اجتماعی اولین رهبر حکومت اسلامی محدود نمی‌شد. پیمان‌های مختلفی برای تکریم و بزرگداشت حقوق اهل کتاب با ایشان منعقد شد و دستورهای حکومتی متعددی در این زمینه صادر شد. رسول‌الله (صلی الله علیه و آله) در سومین روز محرم سال دوم هجری بین مسلمانان با مسیحیان در مسجدالنبی، دستور نگارش پیمانی را داد (نک: حمیدالله، ۱۳۹۳). این پیمان گرچه در دوران شکوه و جلال حکمرانی اسلامی است، اما بر صلح تأکید دارد. پیامبر همیشه پیش از آغاز هر جنگی پیام دعوت ابلاغ می‌فرمود و طرف مقابل را به حق می‌خواند، لشکریان اسلام را از تعدی به عبادتگاه‌های اهل کتاب باز می‌داشت. خدام و سکنه این مکان‌های مقدس محترم شمرده می‌شدند و مسئولیت‌هایشان در آن عبادتگاه‌ها کما فی السابق ادامه می‌یافت.

به طور کلی و با نگاهی به آیات قرآن و زندگی پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌توان نگاه کلی دین اسلام به جایگاه ادیان الهی یهودیت و مسیحیت (کتب ایشان، پیامبران ایشان و پیروانشان) را به دست آورد. نگاه و توجه خاص به این مسئله در آیات قرآن متبلور است و در قرآن همواره به تکریم پیروان و تعظیم شعائر دستور داده شده است. شاهد مثال و نمود عملی این دستورها هم در سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) دیده می‌شود. رویکرد سیاسی، اجتماعی و شخصی پیامبر در مقابل اهل کتاب را می‌توان هم به عنوان اولین حاکم اسلامی و هم نمود عملی گفتمان اسلامی معرفی کرد که در این نوشته به اختصار بیان شد.

پی‌نوشت

۱. درباره اهل کتاب بودن زرتشتیان و صابئیان اختلاف نظرهایی وجود دارد.

منابع

قرآن کریم.

ابویوسف، یعقوب بن ابراهیم (۱۳۹۹). *الخراج*، بیروت: دار المعرفة للطباعة والنشر.
احمدپور، اکبر (۱۳۹۴). «بازخوانی چگونگی تعاملات پیامبر با غیرمسلمانان»، در: *تاریخ و فرهنگ*،
س ۴۷، ش ۹۵، ص ۲۹-۵۴.

احمدی میانجی، علی (۱۳۷۶). *مکاتیب الرسول*، قم: دار الحدیث.
ارزانی، حبیب‌رضا؛ اهتمام، حامد (۱۳۹۴). «الگوی ارتباطات میان فرهنگی مسلمانان و مسیحیان در قرآن
کریم»، در: *الاهیات تطبیقی*، س ۶، ش ۱۴، ص ۸۹-۱۰۶.

بلاغی، صدرالدین (۱۳۷۰). *عدالت و قضا در اسلام*، تهران: امیرکبیر.
پاکتچی، احمد (۱۳۶۹). «اهل کتاب»، در: *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰). *تسنیم*، قم: اسراء، چاپ دوم.

حسینی دشتی، سید مصطفی (۱۳۷۹). *معارف و معاریف: دائرةالمعارف جامع اسلامی*، تهران: مؤسسه فرهنگی آرایه.
حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴). *تذکرة الفقهاء*، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
حمیدالله، محمد (۱۳۹۳). *نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد و اسناد صدر اسلام*، ترجمه: سید
محمد حسینی، تهران: سروش.

دائرةالمعارف تشیع (۱۳۸۶). تهران: نشر شهید سعید محبی.
دهخدا، علی اکبر (۱۳۶۱). *لغت‌نامه دهخدا*، تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.
راغب اصفهانی، حسین (بی تا). *المفردات فی غریب القرآن*، به کوشش: محمد حسین گیلانی، بیروت: دار المعرفة.
رسولی محلاتی، هاشم (۱۳۷۱). *تاریخ اسلام*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
سبحانی، جعفر (۱۳۷۱). *فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
صادق‌پور، طیبه (۱۳۸۶). «کرامت انسان در قرآن»، در: *بینات*، ش ۵۳، ص ۵۱-۶۷.
طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). *ترجمه تفسیر المیزان*، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی،
قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۵). *تاریخ الطبری*، قاهره: دار المعارف بمصر.
عمید زنجانی، عباس علی (۱۳۴۴). *اسلام و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
قرشی، علی اکبر (۱۳۸۴). *قاموس قرآن*، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهاردهم.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۵۰). *فروع کافی*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
مصطفوی، حسن (۱۳۸۵). *التحقیق فی کلمات القرآن*، تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، چاپ اول.
مطهری، مرتضی (۱۳۶۶). *داستان راستان*، تهران: صدرا، چاپ نهم.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
منتظری، حسین علی (۱۴۱۱). *دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیه*، قم: دار الفکر.
موسوی مبلغ، سید محمدحسین (۱۳۷۴). «روابط حقوقی مسلمانان با کفار از نگاه قرآن ۱»، در:

پژوهش‌های قرآنی، دوره ۱، ش ۴، ص ۲۱۱-۲۴۲.

References

The Holy Quran.

Abu Yusof, Yaghub ibn Ibrahim. 2020. *Al-Kharaj*, Beirut: Knowledge House for Printing and Publishing. [in Arabic]

Ahmadi Miyaneji, Ali. 1997. *Makatib al-Rasul*, Qom: Hadith House. [in Arabic]

Ahmadpur, Akbar. 2015. "Bazkhani Chegunegi Taamolot Payambar ba Gheyr Mosalmanan (A review of how the Prophet interacted with non-Muslims), in: *History and Culture*, yr. 47, no. 95, pp. 29-54. [in Farsi]

Amid Zanjani, Abbas Ali. 1965. *Islam wa Hamzisti Mosalemat Amiz (Islam and Peaceful Coexistence)*, Tehran: Islamic Books Institute. [in Farsi]

Arzani, Habib Reza; Ehtemam, Hamed. 2015. "Olguy Ertebatat Miyan Farhangi Mosalmanan wa Masihiyan dar Quran Karim (The Pattern of Intercultural Communication between Muslims and Christians in the Holy Quran)", in: *Comparative Theology*, yr. 6, no. 14, pp. 89-106. [in Farsi]

Balaghi, Sadr al-Din. 1991. *Edalat wa Ghaza dar Islam (Justice and Judgment in Islam)*, Tehran: Amirkabir. [in Farsi]

Daerah al-Maaref Tashayyu (Shiite Encyclopedia). 2007. Tehran: Martyr Said Mohebbi Publication. [in Farsi]

Dehkhoda, Ali Akbar. 1982. *Loghatnameh Dehkhoda (Dehkhoda Dictionary)*, Tehran: University of Tehran, Dehkhoda Dictionary Institute. [in Farsi]

Ghorashi, Ali Akbar. 2005. *Ghamus Quran (Dictionary of the Quran)*, Tehran: Islamic Books Institute, Fourteenth Edition. [in Farsi]

Hamidollah, Mohammad. 2014. *Nameh-ha wa Peyman-hay Siyasi Hazrat Mohammad wa Asnad Sadr Islam (Letters and Political Treaties of the Prophet Mohammad and Documents of the Beginning of Islam)*, Translated by Seyyed Mohammad Hoseyni, Tehran: Soroush. [in Farsi]

Helli, Hasan ibn Yusof. 1994. *Tazkerah al-Foghaha (Handbook for Jurists)*, Qom: Al-Bayt Foundation for the Revival of Heritage. [in Arabic]

Hoseyni Dashti, Mostafa. 2000. *Maaref wa Maarif: Daerah al-Maaref Jame Islami (Figures: Comprehensive Islamic Encyclopedia)*, Tehran: Arayeh Cultural Institute.

Jawadi Amoli, Abdollah. 2011. *Tasnim*, Qom: Esra, Second Edition. [in Farsi]

Koleyni, Mohammad ibn Yaghub. 1971. *Foru Kafi*, Tehran: Islamic Books Institute. [in Arabic]

- Makarem Shirazi, Naser. 1995. *Tafsir Nemuneh (The Ideal Commentary)*, Tehran: Islamic Books Institute.
- Montazeri, Hoseyn Ali. 1991. *Derasat fi Welayah al-Faghih wa Feghh al-Dawlah al-Eslamiyah (Studies in Guardianship of the Islamic Jurist and Jurisprudence of the Islamic State)*, Qom: Thought Institute. [in Arabic]
- Mostafawi, Hasan. 2006. *Al-Tahghigh fi Kalamat al-Quran (Research in the Terms of the Holy Quran)*, Tehran: Allameh Mostafavi Publishing Center, First Edition. [in Arabic]
- Motahari, Morteza. 1987. *Dastan Rastan (True Stories)*, Tehran: Sadra, Ninth Edition. [in Farsi]
- Musawi Moballegh, Seyyed Mohammad Hoseyn. 1995. "Rawabet Hoghughi Mosalmanan ba Koffar az Negah Quran 1 (The Legal Relations of Muslims with Infidels from the Perspective of the Quran 1)", in: *Quranic Studies*, yr. 1, no. 4, pp. 211-242. [in Farsi]
- Pakatchi, Ahmad. "Ahl Ketab (The People of the Book)", in: *The Great Islamic Encyclopedia*, Tehran: The Great Islamic Encyclopedia Center. [in Farsi]
- Ragheb Esfahani, Hosayn. n.d. *Al-Mofradat fi Gharib al-Quran (Glossary of Quranic Terms)*, Prepared by Mohammad Hoseyn Gilani, Beirut: Knowledge Institute. [in Arabic]
- Rasuli Mahallati, Hashem. 1992. *Tarikh Islam (History of Islam)*, Tehran: Islamic Culture Publishing Office. [in Farsi]
- Sadeghpur, Tayyebeh. 2007. "Keramt Ensan dar Quran (Human Dignity in the Quran)", in: *Bayyenat*, no. 53, pp. 51-67. [in Farsi]
- Sobhani, Jafar. 1992. *Faraz-hayi az Tarikh Payambar Islam (Excerpts from the History of the Prophet of Islam)*, Tehran: Islamic Culture Publishing Office. [in Farsi]
- Tabari, Mohammad ibn Jarir. 1995. *Tarikh al-Tabari*, Cairo: Knowledge House in Egypt. [in Arabic]
- Tabatabayi, Seyyed Mohammad Hoseyn. 1995. *Tarjomeh Tafsir al-Mizan (Translation of the Commentary of al-Mizan)*, Translated by Seyyed Mohammad Bagher Musawi Hamedani, Qom: Islamic Publications Office. [in Farsi]